

بازنمایی نحوی مفعول مستقیم و غیرمستقیم در گویش دلواری

شیرین پوراابراهیم (عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور)

ارسلان گلفام (عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس)

چکیده: گویش دلواری، از گویش‌های استان بوشهر در جنوب ایران، فاقد نقش‌نمای مفعول مستقیم *rā* موجود در فارسی معیار است. در جملات بنیادی این گویش، مفعول مستقیم از طریق جایگاه ثابت آن قبل از فعل اصلی شناخته می‌شود، یعنی از طریق آرایش واژگانی (SOV) تشخیص داده می‌شود. افزون بر این، اگر به صورت بند باشد پس از ستاک فعلی در انتهای جمله قرار می‌گیرد. با این حال، مفعول غیرمستقیم پس از حرف اضافه *si* (به معنی «به» و «برای») قرار می‌گیرد. مفعول غیرمستقیم در جملات بی‌نشان بعد از مفعول مستقیم و قبل از فعل اصلی قرار می‌گیرد. نکته جالب توجه در مورد مفعول مستقیم این است که اگر به صورت ضمیر شخصی متصل اول شخص مفرد باشد (در ساخت‌های غیربنیادی) پس از فعل قرار می‌گیرد و به ستاک فعلی به عنوان پایه متصل می‌شود و اگر زمان جمله گذشته باشد، پس از فعل قرار می‌گیرد ولی به حرف اضافه *si* به عنوان پایه متصل می‌شود. بنابراین، *si* در جملات متعدی، در درجه نخست، نقش‌نمای مفعول غیرمستقیم و در درجه دوم، در موارد خاص، نقش‌نمای مفعول مستقیم است. این دوگانگی

نقشی مانع از ظهور هم‌زمان دو نقش si در یک جملهٔ دومفعولی می‌شود و گاه باعث ابهام در فهم صحیح جملات مذکور می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: مفعول مستقیم، مفعول غیرمستقیم، آرایش واژگانی، ضمیر متصل، نقش‌نماهای نحوی

۱. مقدمه

منطقهٔ دلوار از مناطق ساحلی استان بوشهر در حاشیهٔ خلیج فارس است و از نظر تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی در حوزهٔ شهرستان تنگستان قرار دارد. گویش دلواری، با بیش از ۲۵۰۰۰ گویشور، از جمله گویش‌هایی است که دارای برخی ویژگی‌های صرفی و نحوی متفاوت نسبت به فارسی معیار است.^۱ نویسندگان این مقاله تلاش دارند، با مطالعهٔ جمله‌های متعددی ساده و مرکب در این گویش، مشخص کنند که روابط نحوی مفعول مستقیم^۲ و غیرمستقیم^۳ با استفاده از چه ابزار (یا ابزارهای) نحوی یا ساختاری نمایانده می‌شوند.

۲. اهمیت مفعول در مطالعات زبان‌شناختی و رده‌شناختی

از اواسط دههٔ ۱۹۶۰، با انتشار مقالهٔ اساسی و پیش‌گام ژوزف گرینبرگ ... دربارهٔ رده‌شناسی بر اساس آرایش جمله، توجه زبان‌شناسان به این زمینه از رده‌شناسی معطوف گشت. پارامترهای عمدهٔ آرایش جمله عبارت بودند از بند اصلی و گروه اسمی. پارامتر اساسی رده‌شناسی آرایش جمله را ترتیب نسبی سه سازهٔ عمدهٔ بند اصلی، یعنی فاعل (S)، مفعول (O) و فعل (V)، که اصطلاحاً آن را آرایش بنیادین می‌نامیم تشکیل می‌دهد. در چارچوب این پارامتر، زبان‌ها به شش ردهٔ منطقاً ممکن تقسیم می‌شوند: SOV، SVO، VSO، VOS، OVS، OSV. دو آرایش اول، به ترتیب از پربسامدترین آرایش‌ها به شمار می‌روند، زیرا اکثریت قابل ملاحظه‌ای از زبان‌ها در این دو رده قرار می‌گیرند و پس از آن، آرایش VSO

(۱) نویسندهٔ اول این مقاله از گویشوران این گویش است و تاکنون در مورد ضمائر واژه‌بستی، دستگاه فعل، و دستگاه واجی آن پژوهش‌هایی انجام داده است.

2) direct object

3) indirect object

قرار دارد. دو آرایش آخر در ردیف کم‌بسامدترین آرایش‌ها هستند (نمره ۱۳۶۹: ۷۱-۷۲).
کامری و لمان معتقدند:

چون در بسیاری از مطالعات رده‌شناختی زبان توزیع و جایگاه فاعل، در رابطه با دو سازه دیگر، از اهمیت نظری و تجربی بسیار کمی برخوردار است، بررسی ترتیب کلمات اصلی عملاً به بررسی مفعول مستقیم و فعل نسبت به یکدیگر در سطح جملات ساده، جملات مرکب و وابسته خلاصه می‌شود که منجر به دو ترتیب اصلی ممکن OV و VO می‌گردد (به نقل از واحدی لنگرودی ۱۳۸۲: ۹۹).

آرایش بند اصلی در زبان فارسی OV است. زبان فارسی نسبت به آرایش سازه‌های بند اصلی حساسیت ندارد، تا آنجا که می‌توان آن را در زمره زبان‌های دارای آرایش آزاد به شمار آورد؛ زیرا آرایش SOV و یا حتی دیگر آرایش‌ها نیز، بسته به موقعیت، دستوری و قابل قبول هستند (نمره ۱۳۶۹: ۸۰).

هرچند تاکنون نظریات متنوع و بعضاً متفاوتی در مورد تکواژ را در زبان فارسی مطرح گردیده است، به نظر می‌رسد که همه بر این اصل که این تکواژ نشانه مفعول مستقیم در فارسی معاصر است اتفاق نظر دارند (نک: دبیرمقدم ۱۳۶۹).

۳. تعریف مفعول مستقیم و غیرمستقیم و بیان مسئله

از لحاظ معنایی، مفعول‌های مستقیم به سازه‌هایی اطلاق می‌شود که تحت تأثیر کنش یا فرایندی که فعل بر آن دلالت می‌کند قرار می‌گیرند؛ مثلاً در جمله خواهرم این کتاب را پیدا کرد، مصداق^۱ این کتاب تحت تأثیر فرایند پیدا شدن قرار می‌گیرد. مفعول مستقیم نوعاً کنش‌پذیر^۲ جمله است؛ اما از نظر ساختاری، اغلب — نه همیشه — گروه اسمی است و رابطه‌ای محکم با فعل دارد و معنای فعل را تمام می‌کند، یعنی به عنوان متمم فعل شناخته می‌شود. گروه‌های دیگر، مثل گروه حرف اضافه‌ای (مثال‌های ۱۸ و ۱۹) و بند (مثال‌های ۳۴ و ۳۵)، نیز می‌توانند در نقش و جایگاه مفعول مستقیم ظاهر شوند. فعلی که

1) referent

2) patient

به مفعول مستقیم نیاز دارد فعل متعدی^۱ نامیده می‌شود. یکی دیگر از متمم‌های فعل، مفعول غیرمستقیم است. نقش معنایی نوعی مفعول غیرمستقیم، هدف^۲ یا بهره‌ور^۳ است. افعالی که هم به مفعول مستقیم و هم مفعول غیرمستقیم نیازمند هستند افعال دومفعولی^۴ نامیده می‌شوند. مفعول غیرمستقیم، از نظر نحوی، معمولاً گروه اسمی است و بدون مفعول مستقیم ظاهر نمی‌شود (آرتز ۱۹۹۷: ۱۵-۱۹).

با توجه به اهمیت مفعول در مطالعات زبان‌شناسی و رده‌شناسی، اگر نحوه بازنمایی مفعول مستقیم در گویش‌های مختلف زبان‌های ایرانی مورد مطالعه قرار گیرد، به یقین می‌توان در مورد گرایش‌ها و حتی قطعیت‌های موجود در باب مفعول زبان فارسی به اظهار نظر جامع‌تری دست یافت. گویش دلواری فاقد نقش‌نمای مفعول مستقیم است، به این معنی که در آن نه تکواژ مستقلی شبیه را موجود در فارسی معیار وجود دارد و نه حتی صورت واژه‌بستی آن یعنی ۰-^۵. در واقع، در جملات بی‌نشان این گویش، هیچ صورت ساختوازی یا واجی بر مفعول مستقیم دلالت نمی‌کند. با مشاهده این واقعیت این مسئله مطرح است که، برای بازنمایی مفعول مستقیم، از چه مکانیزم یا مکانیزم‌های نحوی استفاده می‌شود.

1) transitive 2) goal 3) benefactive 4) ditransitive

۵) «در زبان فارسی، پیواژه را حالت دستوری مفعول صریح و نقش کلامی مبتدا و طول مدت را نشان می‌دهد... این تکواژ، در محاوره، به صورت /ro/ تلفظ می‌شود و در صورتی که پس از واژه مختوم به همخوان بیاید، کوتاه شده و به صورت /-o/ به واژه قبل از خود متصل می‌شود» (شقایق ۱۳۷۴: ۱۵۱). در برخی از گویش‌های همجوار گویش دلواری از جمله گویش بندر دیلمی و دشتستانی، از صورت‌های پی‌بستی خاصی برای نشان دادن مفعول صریح استفاده می‌شود؛ به عنوان مثال، در گویش دیلمی از تکواژ وابسته /-a/ در انتهای مفعول صریح استفاده می‌شود:

(mo) Hasan	-a	did-om.
D.O.		V
من حسن	[نشانه مفعول صریح]	دیدم (من حسن را دیدم.)

با در جمله مشابهی از گویش دشتستانی، مفعول صریح با نشانه /-e/ می‌آید:

(mo) Hasan	-e	did-om.
------------	----	---------

(اطلاعات فوق، از طریق مصاحبه با گویشوران این گویش‌ها به دست آمده است.)

۴. بررسی داده‌ها

۴.۱. مفعول مستقیم در جملات زمان حال

مفعول مستقیم در جملات زمان حال قبل از فعل اصلی قرار می‌گیرد:

1. (mo) Hesān mi-vin-om

D.O. V

(من حسن را می‌بینم) می‌بینم حسن (را) من

در مثال شماره ۱، حسن مفعول مستقیم است و قبل از فعل اصلی قرار می‌گیرد؛ در غیر این صورت جمله غیردستوری است:

2. *(mo) miv-in-om Hesān

V D.O.

(من می‌بینم حسن را) حسن (را) می‌بینم من

اگر ضمیر شخصی در جایگاه مفعول مستقیم قرار گیرد، در صورت منفصل بودن، آن ضمیر در آرایش واژگانی، قبل از فعل قرار می‌گیرد و مانند اسم‌های آزاد عمل می‌کند:

3. (mo) Šomā mi-vin-om

D.O. V

(من شما را می‌بینم) می‌بینم شما (را) من

اگر ضمیر مفعولی پس از فعل قرار گیرد، جمله غیردستوری خواهد بود:

4. *(mo) mi-vin-om Šomā

V D.O.

(من می‌بینم شما را) شما (را) می‌بینم من

مفعول مستقیم می‌تواند به شکل واژه‌بست^۱ ظاهر شود، که در این صورت، به انتهای ستاک فعلی متصل می‌شود:

1) clitic

5. (mo) mi-vin-om-etu

V D.O.

من می بینم - تان (من می بینم تان)

۲.۴. مفعول غیرمستقیم در جملات زمان حال

مفعول غیرمستقیم در جملات زمان حال، در جملات بی نشان، قبل از فعل اصلی و بعد از مفعول مستقیم قرار می گیرد. مفعول غیرمستقیم پس از پیش اضافه^۱ si به معنی «به» و «برای» می آید:

6. (mo) ĵume si Hesani mi-xer-om

D.O. I.O. V

(من پیراهن برای حسن می خرم) می خرم حسن برای پیراهن (را) من

مفعول غیرمستقیم ممکن است قبل از مفعول مستقیم نیز قرار بگیرد:

7. (mo) si Hesani ĵume mi-xer-om

I.O. D.O. V

(من برای حسن پیراهن می خرم) می خرم پیراهن (را) حسن برای من

در ساخت‌هایی با درجه نشاننداری بیشتر، مفعول غیرمستقیم می تواند پس از فعل نیز واقع شود:

8. (mo) ĵume mi-xer-om, si Hesani

D.O. V I.O.

(من پیراهن می خرم، برای حسن) حسن برای می خرم پیراهن (را) من

اگر مفعول غیرمستقیم به صورت واژه بست باشد، باز هم می تواند قبل یا بعد از مفعول مستقیم قرار گیرد:

9. (mo) si-š ĵume mi-xer-om

I.O. D.O. V

1) preposition

(من برایش پیراهن می‌خرم) می‌خرم پیراهن (را) برایش من

10. (mo) ĵume si-š mi-xer-om

D.O. I.O. V

(من پیراهن برایش می‌خرم) می‌خرم برایش پیراهن (را) من

در دو مثال ۹ و ۱۰، مفعول غیرمستقیم قبل از فعل قرار گرفته است؛ ولی در مثال ۱۱
ذیل، مفعول غیرمستقیم پس از فعل قرار می‌گیرد:

11. (mo) ĵume mi-xer-om si-š

D.O. V I.O.

(من پیراهن می‌خرم برایش) برایش می‌خرم پیراهن (را) من

گرچه در مثال‌های ۸ و ۱۱، مفعول غیرمستقیم پس از فعل واقع شده است، اما جمله ۱۱ دارای بسامد رخداد بسیار بالاتری می‌باشد. تا اینجا، اگر بخواهیم بر اساس مثال‌های ذکر شده، به یک نتیجه‌گیری کلی در مورد نحوه بازنمایی نحوی مفعول‌های مستقیم و غیرمستقیم در جملات زمان حال دست یابیم، می‌توانیم ادعا کنیم که نقش مفعول غیرمستقیم از طریق حرف اضافه si نمایانده می‌شود، بنابراین مفعول غیرمستقیم می‌تواند با درجات مختلف نشان‌داری قبل یا بعد از فعل و مفعول مستقیم قرار گیرد؛ با این حال، جایگاه مفعول مستقیم ثابت است و از طریق قرار گرفتن آن قبل از فعل اصلی شناخته می‌شود. تغییر این جایگاه تعریف شده برای گروه‌های اسمی در نقش مفعول مستقیم باعث غیردستوری شدن جمله حاصل می‌شود.

۴.۳. مفعول مستقیم در جملات زمان گذشته

مفعول مستقیم در جملات زمان گذشته بی‌نشان نیز، قبل از فعل قرار می‌گیرد:

12. (to) Hesani -et di

D.O. AGR V

(تو حسن را دیدی) دید [دوم شخص مفرد] حسن (را) تو

قابل ذکر است که در جملات متعدی زمان گذشته، از ضمایر واژه‌بستی (-eš, -et, -om), (-ešu, -etu, -emu) به‌عنوان عناصر مطابقه استفاده می‌شود. حضور این ضمایر در این نوع جملات اجباری است و معمولاً در جملات بی‌نشان، به انتهای گروه‌های اسمی که در جایگاه مفعول مستقیم هستند، متصل می‌شوند. جایگاه این عناصر در جمله ثابت نیست. در این مقاله، از AGR برای شناسایی این عناصر مطابقه استفاده شده است.^۱

اگر مفعول مستقیم پس از فعل قرار گیرد، جمله حاصل غیردستوری است:

13. * (to) -t di Hesan
AGR V D.O.

(تو دیدی حسن را) حسن (را) دید [دوم شخص مفرد] تو

در جمله ۱۳، مفعول مستقیم پس از ستاک فعلی قرار گرفته و این ترتیب باعث غیردستوری شدن جمله شده است.^۲ اگر ضمیر شخصی منفصل در جایگاه مفعول مستقیم باشد، باید قبل از فعل قرار گیرد:

14. (Maryam) to -š di
D.O. AGR V

(مریم تو را دید) دید [سوم شخص مفرد] تو (را) مریم

در جمله ۱۵، به علت قرار گرفتن مفعول مستقیم پس از فعل، جمله غیردستوری شده است:

(۱) برای مطالعه بیشتر در مورد کارکرد این نوع ضمایر واژه‌بستی، نک: واحدی لنگرودی، محمدمهدی و ممسنی، شیرین، ۱۳۸۳، «بررسی ضمایر واژه‌بستی در گویش دلواری» گویش‌شناسی، ج ۱، ش ۳، ص ۶۴-۸۱؛ نیز پایان‌نامه کارشناسی ارشد شیرین ممسنی، ۱۳۸۰ با عنوان *A Morpho-Syntactic Description and Analysis of Pronominal Clitics of Delvari Dialect*. دانشگاه تربیت مدرس.

(۲) ضمیر واژه‌بستی -t قادر است به فاعل اختیاری موجود در جمله متصل شود؛ از این رو، غیردستوری بودن جمله را نمی‌توان به نحوه اتصال این ضمیر نسبت داد.

15. * (Maryam) -eš di to
AGR V D.O.

(مریم دید تو را) تو (را) دید [سوم شخص مفرد] مریم

پس می‌توان گفت که در جملات گذشته نیز، گروه اسمی دارای نقش مفعول مستقیم اجباراً قبل از فعل قرار می‌گیرد. علاوه بر موارد فوق، مفعول مستقیم ممکن است به صورت ضمیر متصل ظاهر شود؛ در این صورت، دو حالت ممکن است پیش آید:
الف) مفعول مستقیم به حرف اضافه si، به‌عنوان میزبان، متصل می‌شود. حرف اضافه si در اینجا نقش‌نمای مفعول مستقیم محسوب می‌شود:

16. (Maryam) košt -eš si -m
V AGR D.O.

(مریم کُشت مرا) من را [سوم شخص مفرد] کشت مریم

در این صورت، مجموعه حرف اضافه و ضمیر واژه‌بستی مفعولی باید اجباراً پس از فعل قرار گیرد. اگر این عناصر قبل از فعل قرار گیرند، در معنای مفعول غیرمستقیم درک خواهند شد و si معنی اولیه خود یعنی «به» و «برای» را خواهد داشت:

17. (Maryam) si -m košt -eš
I.O. V AGR

(مریم برایم کُشت) [سوم شخص مفرد] کُشت من برای مریم

جمله فوق دارای مفعول مستقیم تلویحی^۱ است و می‌توان آن را، در فارسی، به این شکل ترجمه کرد: مریم (چیزی را) برای من کُشت.

از مقایسه مثال‌های ۱۶ و ۱۷ می‌توان به این نتیجه رسید که هرچند حرف اضافه si دارای دو کارکرد نحوی است، یعنی در درجه نخست نشانه مفعول غیرمستقیم و در درجه بعد — در صورت واژه‌بست بودن مفعول مستقیم — نشانه مفعول مستقیم است، آرایش آن نسبت به فعل اصلی جمله می‌تواند تا حدود زیادی تعیین‌کننده نقش مطلوب

1) implicit

و مورد نظر باشد. برای درک بهتر این تفاوت آرایشی و متعاقب آن تفاوت نقشی و معنایی، به مثال‌های ذیل دقت فرمایید:

18. (mā)	xard	-emu	si -š
	V	AGR	D.O.
ما	خورد	[اول شخص جمع]	آن (را) (ما خوردیمش)

19. (mā)	si -š	xard	-emu
	I.O.	V	AGR
		[اول شخص جمع]	خورد او برای ما (ما برایش چیزی را خوردیم)

جمله فوق به نوعی نشاندار است و مفعول مستقیم از طریق بافت کلام قابل بازیابی است.

مسئله ابهام در نقش نحوی، تا حدودی، به نوع فعل نیز بستگی دارد. در برخی از افعال، در صورت حضور مفعول مستقیم واژه‌بستی قبل از فعل، معنای متفاوتی برداشت نمی‌شود؛ به عبارت بهتر، مفعول مستقیم به صورت همان مفعول مستقیم درک می‌شود و نه مفعول غیرمستقیم:

20. (to)	zet	-et	si -š
	V	AGR	D.O.
تو	زد	[دوم شخص مفرد]	آن (را) (تو او را زدی)

21. (to)	si -š	zet	-et
	D.O.	V	AGR
		زد او را/ برای او	(تو او را زدی) [دوم شخص مفرد]

این مسئله به تعداد موضوع‌های فعل مورد نظر برمی‌گردد. در این مثال، فعل زدن قادر به گرفتن مفعول غیرمستقیم نمی‌باشد. در واقع، مسئله ابهام در نقش نحوی بیشتر در مورد افعال دومفعولی رخ می‌دهد، مثل فعل فرستادن:

22. (to) 'ersond -et si-š
 V AGR D.O.

(تو او را فرستادی) او (را) [دوم شخص مفرد] فرستاد تو

23. (to) si-š 'ersond -et
 I.O. V AGR

(تو برای او فرستادی) [دوم شخص مفرد] فرستاد او برای تو

ب) اگر مفعول مستقیم به صورت ضمیر واژه‌بستی اول شخص مفرد باشد، می‌تواند به ستاک فعل متصل شود، مشروط بر آنکه عنصر مطابقه (ضمیر واژه‌بستی دیگری که نقش مطابقه را در این گونه جملات ایفا می‌کند) نیز پس از آنها، به فعل متصل شود. در این نوع جملات ما با خوشهٔ واژه‌بستی^۱ مواجه هستیم.

این نوع ساخت‌ها بسیار پرکاربرد هستند، ولی فقط در مورد مفعول‌های مستقیم اول شخص مفرد صدق می‌کنند و در سایر موارد باید از همان الگوی الف (نقش‌نمای si) استفاده شود:

24. košt -om -et
 V D.O. AGR

(تو مرا کشتی) [دوم شخص مفرد] من (را) کُشت

25. zet -em -eš
 V D.O. AGR

(او مرا زد) [سوم شخص مفرد] من (را) زد

با استفاده از نقش‌نمای مفعول مستقیم si، برای نمایاندن نقش مفعول مستقیم، جملات ۲۴ و ۲۵ به صورت زیر نیز بیان می‌شوند:

26. košt -et si-m
 V AGR D.O.

1) clitic cluster

(تو مرا کشتی) من (را) [دوم شخص مفرد] کشت

27. zet -eš si -m

V AGR D.O.

(او مرا زد) من (را) [سوم شخص مفرد] زد

۴. ۴. مفعول غیرمستقیم در جملات زمان گذشته

مفعول غیرمستقیم در جملات زمان گذشته، مانند جملات زمان حال، قبل از فعل جای می‌گیرد:

28. (mo) ketāv -om si Maryam dā

D.O. AGR I.O. V

(من کتاب را به مریم دادم) داد مریم به [اول شخص مفرد] کتاب (را) من

29. (mo) si Maryam -om ketāv dā

I.O. AGR D.O. V

(من به مریم کتاب را دادم) داد کتاب (را) [اول شخص مفرد] مریم به من

مفعول غیرمستقیم می‌تواند بعد از فعل نیز واقع شود:

30. (mo) ketāv -om dā si Maryam

D.O. AGR V I.O.

(من کتاب را دادم به مریم) به داد [اول شخص مفرد] کتاب (را) من

اگر مفعول غیرمستقیم به صورت ضمیر بیاید، چه متصل باشد چه منفصل، باز هم مثل موارد فوق، می‌تواند قبل یا بعد از فعل قرار گیرد و این نوع آرایش لطمه‌ای به دستوری بودن جمله وارد نمی‌کند و تفاوت تنها در درجات مختلف نشاننداری است؛ زیرا عناصر مورد تأکید تغییر می‌کنند، نه روابط نحوی. در واقع، وجود نقش‌نمای مفعول غیرمستقیم، یعنی پیش‌اضافهٔ si، باعث ایجاد شرایطی آزاد برای جابه‌جایی مفعول غیرمستقیم در سطح جمله شده است. این دقیقاً عکس واقعیتی است که در مورد مفعول مستقیم، دیده شده است. مفعول مستقیم به علت فقدان هرگونه نقش‌نمای صرفی، به

آرایش نحوی در سطح جمله توسط می‌جوید و جایگاه خود را، از طریق قرار گرفتن در سمت چپ فعل اصلی جمله، می‌شناساند.
 تاکنون کارکرد گروه‌های اسمی مختلف در جایگاه مفعول مستقیم و غیرمستقیم را مشاهده نمودیم. قبل از وارد شدن به مبحث مفعول‌های مستقیم بندی^۱، به یک جمع‌بندی کلی در مورد نقش‌های معنایی si در این گویش می‌پردازیم:
 پیش‌اضافه^۲ si سه نقش معنایی هدف، بهره‌ور و کنش‌پذیر، برای عناصر پس از خود به دنبال دارد:

31. (mo) si 'eli mi-go-m
 I.O. Goal V

(من به علی می‌گویم) می‌گویم علی به من

32. ĵume-aš si mo 'ersond
 AGR I.O. Benefactive V

(برای من پیراهن فرستاد) فرستاد من برای [سوم شخص مفرد] پیراهن

33. geret -om si-š
 V AGR D.O. Patient

(او را گرفتم) او (را) [اول شخص مفرد] گرفت

دیدیم که نقش معنایی مفعول غیرمستقیم در جملات فوق هدف یا بهره‌ور است.

۴. ۵. مفعول مستقیم بندی

اگر مفعول مستقیم به صورت یک بند ظاهر شود، بعد از فعل اصلی قرار می‌گیرد:

34. (mo) mi-fahm-om ke merd-eku boč-oku -š di
 V D.O.

دید [سوم شخص مفرد] بچه آن مرده که می‌دانم من

1) clausal direct objects

(من می‌دانم که آن مرد آن بیچه را دید)

در جمله فوق، بندی که زیر آن خط کشیده شده نقش مفعول مستقیم را دارد و بعد از فعل قرار می‌گیرد. حال به مثال زیر که در آن، زمان جمله پایه، گذشته است، توجه کنید:

35. (mā) bovar-emu kerd ke pil-ā- š mahk vā-vi-y-en

AGR V D.O.

است شده گم او پول‌های که کرد [سوم شخص جمع] باور ما

(ما باور کردیم که پول‌های او گم شده است)

در جملات فوق، امکان قرار دادن مفعول مستقیم بندی قبل از فعل وجود ندارد و این کار منجر به غیردستوری شدن جمله حاصل می‌شود:

36. *(mo) ke merd-eku boč-oku -š di mi-fahm-om

V

می‌دانم دید [سوم شخص مفرد] بیچه آن مرده که من

37. *(mā) ke pil-ā- š mahk vā-vi-y-en bovar-emu kerd

AGR V

کرد [اول شخص جمع] باور است شده گم او پول‌های که ما

بنابراین، می‌توان به صراحت گفت که در صورت پر شدن جایگاه مفعول مستقیم توسط یک بند، مفعول مستقیم ضرورتاً می‌باید پس از فعل قرار گیرد (مثل مفعول مستقیم در جملات ۳۴-۳۵) و قرار گرفتن آن قبل از فعل باعث غیردستوری شدن آن جملات می‌شود (مثل جملات ۳۶-۳۷).

۴. ۶. ظهور هم‌زمان مفعول مستقیم و غیرمستقیم

در جمله‌های دومفعولی بی‌نشان، مفعول مستقیم قبل از مفعول غیرمستقیم قرار می‌گیرد:

38. (mo) ketāv -om si 'eli dā

D.O. AGR I.O. V

(من کتاب را به علی دادم) داد علی به [اول شخص مفرد] کتاب (را) من

39. (mo) ketāv si 'u bisi mi-kon-om.

D.O. I.O. V

(من کتاب را برای او می‌فرستم) می‌فرستم او برای کتاب (را) من

در جملات دومفعولی، وجود دو نقش‌نمای si برای نمایاندن نقش‌های مفعول مستقیم و غیرمستقیم غیرممکن و باعث غیرعادی شدن و غیردستوری شدن جمله می‌شود. به عبارت بهتر، این تکواژ، یا نقش‌نمای مفعول غیرمستقیم است — که در واقع کارکرد اصلی آن به شمار می‌رود — یا در موارد خاص، نقش‌نمای مفعول مستقیم (با ضمیر متصل مفعولی) است. در صورت دوم، مفعول غیرمستقیم نمی‌تواند در جمله ظاهر شود و از جمله حذف می‌شود؛ مثلاً اگر در جمله‌های ۳۸ و ۳۹، بخواهیم مفعول مستقیم را با استفاده از نقش‌نمای si به اضافه ضمیر متصل مفعولی بیان کنیم، می‌باید مفعول غیرمستقیم را از جمله حذف کنیم. در غیر این صورت، جمله حاصل غیردستوری است:

40. *(mo) si 'eli dā -m si-š

I.O. V AGR D.O.

(من به علی دادمش) آن (را) [اول شخص مفرد] داد علی به من

41. (mo) dā -m si-š

V AGR D.O./I.O.

(من به او دادم/ من آن را دادم) به او/ آن (را) [اول شخص مفرد] داد من

جمله شماره ۴۱ دستوری است، اما دوپهلوی است؛ به عبارت دیگر، شنونده بدون در دست داشتن ابزار و اطلاعات بافت کلام، بالقوه، هر دو معنی مفعول مستقیم و غیرمستقیم را از si-š استنباط می‌کند، هرچند درصد احتمال درک جمله در معنی مفعول غیرمستقیم، بیشتر است.

۵. نتیجه‌گیری

در مجموع، می‌توان اذعان داشت که مفعول مستقیم را در گویش دلواری می‌باید از طریق محل قرار گرفتن آن نسبت به فعل اصلی جمله شناسایی کرد. به عبارت دیگر، مفعول مستقیم همیشه قبل از فعل قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، «باید دانست که اصولاً جای سازه‌های بدون تکیه، مانند ضمائر متصل در همه زبان‌ها، تابع قواعد خاصی است که ارتباط چندانی با وضعیت دستوری آنها ندارد» (نمره ۱۳۶۹: ۷۳). از این رو، هرچند ضمائر متصل مفعولی ممکن است به نقش‌نمای si و در معدود مواردی که ذکر شد، به ستاک فعلی متصل شوند، با اطمینان می‌توان گفت که استفاده از مکانیزم نحوی آرایش واژگانی است که به بازنمایی رابطه نحوی مفعول مستقیم منجر می‌شود؛ و این تفاوت اساسی مفعول مستقیم در گویش دلواری و مفعول مستقیم در فارسی معیار است. در مورد بازنمایی مفعول غیرمستقیم، گویش دلواری از پیش‌اضافه si بهره می‌گیرد؛ از این رو، مفعول غیرمستقیم قادر است در جایگاه‌های مختلف جمله ظاهر شود و آزادی بیشتری در انتخاب نوع آرایش داشته باشد.

در این مقاله، ملاحظه شد که در جملات متعدی در زمان گذشته افعال دومفعولی، بین نقش‌های مفعول مستقیم و غیرمستقیم ابهام به وجود می‌آید. همچنین مشاهده شد که پیش‌اضافه si، یا نقش مفعول غیرمستقیم را می‌نمایاند یا نقش مفعول مستقیم را. به عبارت دیگر، در جملات نشاندار زمان گذشته که دارای ضمیر متصل مفعولی مستقیم هستند، پیش‌اضافه si دیگر به عنوان نقش‌نمای مفعول غیرمستقیم عمل نمی‌کند.

منابع

- نمره، یدالله، ۱۳۶۹، «تحلیلی بر رده‌شناسی زبان: ویژگی‌های رده‌شناختی زبان فارسی»، *زبان‌شناسی*، س ۷، ش ۱، ص ۶۱-۸۰.
- دبیرمقدم، محمد، ۱۳۶۹، «پیرامون "را" در زبان فارسی»، *زبان‌شناسی*، س ۷، ش ۱، ص ۲-۶۰.
- شقایق، ویدا، ۱۳۷۴، «واژه‌بست چیست؟ آیا در زبان فارسی چنین مفهومی کاربرد دارد؟»، *مجموعه مقاله‌های سومین کنفرانس زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه علامه طباطبائی، تهران*، ص ۱۴۱-۱۵۷.

واحدی لنگرودی، محمدمهدی، ۱۳۸۲، «ترتیب کلمات اصلی در جملات ساده و جفت‌های همبستگی در گویش گیلکی لنگرود»، گویش‌شناسی، ج ۱، ش ۱، ص ۹۸-۱۲۱.

AARIS, B., 1997, *English Syntax and Argumentation*, London.

